

ضمیمه ۳

متن نظام‌التواریخ بیضاوی نسخه قاهره، رجوع کنید به 22r-24r، تکمیل شده با نسخه مانیسا

۱۳۵۴ (F)، رجوع کنید به 53V-54V (در پیرانتزها)^{۱۱۲}

طایفه هشتم مغل‌اند^{۱۱۳} مقتدا و مقام ایشان (پادشاه نیکوکار) جنک‌خان بوده است خروج بر خوارزمیان کرد و در سنه سبع عشر و ستمایه هجری او و اولاد او اکثر بلاد خطا و ترک و تمامت ایران زمین (ب ۲۲) بکشودند و ممالک و ملوک را مسخر گردانیدند از اولاد او^{۱۱۴} که در ایران زمین حکم کردند و اطراف کشودند اول هولاکو خان است پادشاهی عادل قاهر صاحب دولت بود و بغایت مهیب و با رأی و تدبیر جون منکوقان بر تخت نشست ممالک غزنین و جیحون که ایران زمین خوانند بدو تفویض کرد و لشکری تمام بجهت محافظت ولایات و استخلاص دیگر بلاد بوی داده بود در سنه ثلاث و خمسین و ستمایه هجری از جیحون بگذشت و یک زمستان در خراسان بنشست و بهارگاه روی بقهستان نهاد و قریب یک سال سلطان خوارزمشاه^{۱۱۵} کی مقدم ملاحظه بود و ملا ان دیار بود او را مواعید مطاوعت دادی هدایا و تحف در صحبت برادران و فرزندان فرستادی جون اقامت او دراز شد از روی اضطرار بخدمت هولاکو خان آمد و قلعها بسپرد.

پس اهنک عراق کرد از فارس و کرمان و لرستان^{۱۱۶} و تمامت حوالی ملوک آمدند و لشکرها جهت معاونت جریک او فرستادند خراج دادند.

و در سنه خمس و خمسین و ستمایه هجری روی بیغداد نهاد و مستخلص گردانید و شرح بعضی از ان در اخر ذکر خلفا گفته آمده است.

ورصدرا در مراغه بنا فرمود و طلل عمارتی قدیم که در سایه کوه مانده بود و در میانه ان آبی که بقعران^{۱۱۷} نمی‌توان رسید و ان بنا را عمارت عالی^{۱۱۸} فرمود و هر فصل تابستان انجا اقامت ساختی و زمستان بجانب اران آمدی و بسی از بقاع خیرکه در ایام فترت و تردد لشکر او خراب شده بود ابادان کردی و این شغل بر خواجه امام عالم نصیرالدین طوسی تفویض فرمود بس او با فضلا و حکما اطراف باجماع

جند سال در آن رصد سعی نمودند و مبالغ مال انجا صرف کرد و رصد را معمور کردند و علما انجا ساکن شدند.

بس هولاکوخان متوجه موصل و حدود شام کشت و همه را در تخت حکم خود آورد و در هر مصاف که حاضر شدی^{۱۱۹} بزودی ظفر یافتی و در سنه ثلاث و ستین و ستمایه میان او و برکه‌خان که ممالک قفجاق داشت محاربتی افتاد دران دیار و از هر جانب لشکر بسیار بقتل آمد و بازکشت و بادر بیجان آمد و سالها این مخالفت میان پادشاهان این دو اقلیم بماند و در سنه ست و ستین و ستمایه هجری درگذشت^{۱۲۰} اباقاخان^{۱۲۱} بعد از بدر با اتفاق بادشاه زادگان و خواتین و امرا بر تخت نشست بادشاهی کریم مشفق بود و حسن عنایتی تمام درباره اهل اسلام داشت و پیوسته نواب را با بادانی ملک و رعایت رعیت نصیحت فرمودی سادات و علما و قضاه را موقر داشتی وادرار و مسامحت در مرسوم و معایش بر جملگی بقاعده قدیم مسلم کردانید و در زمان دولت او اضافت بسیار فرمود بران و ممالک اطراف را هر یکی بامیری و ملکی و وزیری کاردان سپرده بود و ایشان جون می‌دانستند کی میل او بمحافظت و رفاهیت رعیت است در ابادانی و مصالح خلائق کوشیدند و جند سال بامنی تمام بادشاهی کرد.

و در سنه تسع و ستین و ستمایه براق از نبیرکان جغتای از جیحون بگذشت و خراسان را فرو گرفت با لشکر بسیار و اباقاخان بنفس خود با لشکری تمام حرکت فرمود در حدود خراسان بوی رسید و در اول مصاف او را هزیمت کرد براق با لشکر اندک بگریخت (۱۲۳) و باز سمرقند رفت و در ذی‌الحجه سنه اربع و ثمانین و ستمایه هجری در همدان وفات یافت.^{۱۲۲}

و مدار ملک او بر امیر سوغنجاق بود که نایب و حاکم بود و بتخصیص فارس و بغداد بدو تعلق داشت و بحقیقت سیرتی بسندیده و شفقتی و معدلتی هرچه تمامتر داشت و بزبان همکنان شکر و مدح او جاری است و صاحب^{۱۲۳} شمس‌الدین محمد بن‌الصاحب^{۱۲۴} بهاء‌الدین محمد بن محمد الجوینی که صاحب دیوان ممالک بود اباعن جد از صناید خراسان بوده است و در ایام مملکت سلاطین ماضی حل و عقد امور در تصرف ایشان بوده و امروز درگاه ایشان سلاطین عالم و بتخصیص ایران

زمین را انجمن است و کامکاری و قواعد خیرات و رعایت اسلام^{۱۲۵} درگاه او معضد و معین بود.

احمدخان بن هولاکوخان^{۱۲۶} برادر اباقاخان بود بیشتر پادشاه زادگان و امرا بیادشاهی او متفق شدند و بر تخت نشست او پادشاهی نیک اخلاق بود و میلی عظیم باسلام داشت و جنان کوبند که مسلمان بود و لشکریان را عطا داد

میان او و ارغون که بسراباقا بود که برادرزاده وی می شد مخالفت افتاد و او در خراسان بود و بیادشاهی عم راضی نبود و بعد از دوم سال (لشکرکرد و از خراسان آمد و بارها بزرگ ایشان برهم زدند و ارغون خان ظفر نیافت و) احمدخان لشکرکرد و (در بی او) بخراسان^{۱۲۷} رفت ارغون خان قلعه را حصار کرد بعد ازان بنزد عم آمد و (از گذشته)^{۱۲۸} عذر خواست احمدخان (او را نیز شفقت عمومیت در کار آمد) هیچ افتی بدو نرسانید (مفسدان هر دو را بر مخالفت اغرامی نمودند) اما (و) او را بجمعی از لشکریان سپرد تا در عقب او بیاورند و خود مراجعت کرد^{۱۲۹} بس جمعی از (جاوشان با او و دیگر) امرا متفق شدند و بعضی از ان لشکریان^{۱۳۰} را بقتل آوردند و ارغون خان را خلاص دادند و باتفاق (لشکریان) در عقب احمد (خان) روانه شدند آگاهی یافت از غدر بتعجیل بجانب اذربایجان نزد مادر (خود) رفت لشکری که انجایکه بودند او را بازداشتند تا ارغون خان برسید و او را بقتل آورد (و پادشاهی او سبری کشت)^{۱۳۱}

ارغون خان بن اباقاخان هولاکوخان^{۱۳۲} برزکترین فرزندان او بود و بدر در حال حیوه خود او را لشکرکش خراسان گردانیده بود و لشکری تمام داده و ان دیار در اهتمام او کرده و دست او در ممالک مطلق داشت و از امراء بزرگ هر یک فرزندی یا برادری با او فرستاده بودند^{۱۳۳} و ملازمت او می نمودند و جنین کوبند که ولی عهدی خود بدو داده بود بعد از احمدخان او بر تخت نشست و باتفاق جمهور پادشاهی کرد و جمله خواتین و امرا بزرگ شادیهها نمودند^{۱۳۴} و در شجاعت و مردانگی بی نظیر بود و تمامت ممالک خود را بامیر عادل بوقا جنکسانک سپرد که در خلاص او سعی نموده بود و حکم او بر تمامت ممالک و لشکر نافذ بود و دیگران را متابعت و مطاوعت او فرمود و اموال بسیار بوی بخشید و چند سال مصالح ممالک را بدست او باز گذاشته بود.

بعد از آن بارغون خان نمودند که بوقا (بسبب جانب داری) با جمعی از ایناقان^{۱۳۵} مخالفت اندیشیده‌اند و غدر خواهند کرد ارغون خان بتفحص (ان) مشغول (شد) و امارات آن بیافت و دلالات ظاهر و مبرهن شد بوقا را بکرفت و بکنانه خود متعرف شد (ب ۲۳) (و بعداب)^{۱۳۶} او را بقتل آورد و جمعی که بموافقت او متهم بودند بقتل آمدند (و بسی از خاندان مغول برافتاد)^{۱۳۷} و او را (اعتماد) بر دیگران نماند و در محافظت خود از کید دشمنان سعی می نمود

در سنه تسعین و ستمایه وفات یافت والله اعلم (ومده بادشاهی او... سال بود)^{۱۳۸}

ایرنجین تورجی بن اباقا خان^{۱۳۹} بسر اباقاخان بود در زمان برادر در روم بود بعد از وفات ارغون خان میان امرا بزرگ اختلاف افتاد بعضی از خواتین و امرا روی بجانب الاطاق نهادند و ایرنجین ذورجی انجا آمد و او را بر تخت نشاندند (امیر) شکتورآقا^{۱۴۰} را که از نوینان بزرگ بود با لشکری تمام و بعضی از خواتین و (دیگر) امرا بجانب اران فرستاد و بتدبیر (و حمایت ممالک) مشغول شد و (بعد از آن) خود برای دفع یاغیان با روم رفت و یک زمستان انجایکه بود و آن مهم بجای آورد و بازگشت و در عراق و ادربیجان (واران و موقان)^{۱۴۱} می بود (و در ایام او صاحب دیوان ممالک مرحوم صدرالدین احمد زنجانی بود و)^{۱۴۲}

در شهر سنه اربع و تسعین و ستمایه هجری او را اعلام دادند که بعضی از امرا با بایدو خان نبیره هولاکو خان اتفاق کرده‌اند و غدر خواهند کرد بعضی از آن امرا (انجا) حاضر بودند ایشانرا بکرفت در جانب اران و بند کرد و بشهر تبریز فرستاد و در قلعه تبریز محبوس کردانید

بعد از آن (امرا دیگر) بوقا و تغاجار را بحدود بغداد فرستاد بمحاربت بیدو خان {قبل از این وی امیر اتاتیاق را با بخشی از لشکریان گسیل داشته بود. وقتی که وی از همدان گذشت و به گریوه که در میانه ابی بورآباد بود رسید آنها با نیروهای بیدو مواجه شدند. وی درگیر نبرد شد و در مقابل لشکریان ایرنجین عقب‌نشینی نمود، لشکریان ایرنجین به نبرد روی آوردند. بیدولشکر ایرنجین را تعقیب نمود و به تبریز آمد^{۱۴۳}}

خواتین و اغروق^{۱۴۴} را در (قشلاغ) بکداشت و در عقب ایشان با لشکری تمام روانه شد ان امرا از (شهر) تبریز بگریختند باران رفتند و میان بوقا و تغاجار اختلاف افتاد بوقا لشکر بکداشت و بازگشت در دیه سمرخاتون از حدود تبریز با یرینجین دورجی رسید و احوال مخالفت لشکریان با او بازگفت او از غدر اندیشید لشکر بکداشت و روی باران نهاد امرا او را دراران بگرفتند و هلاک کردند و همه روی بخدمت بایدو خان نهادند در ششم ماه جمادی الاول (عظم الله حرمة) لسنه اربع و تسعین و ستمایه (ومده بادشاهی اونه سال بود)^{۱۴۵}

بیدو خان^{۱۴۶} چون ازین حال آگاه شد بجانب تبریز آمد و انجایکه بعضی از امرا بکشت و در هشتم جمادی الاخر سنه اربع و تسعین و ستمایه بر تخت نشست^{۱۴۷} (و صاحب سعید جمال الدین دستجردانی را وزارت داد و بر ممالک حاکم کردانید و...)^{۱۴۸}

در ان نزدیک غازان خان با لشکری برسید و یزک بهم رسیدند و بعضی بقتل آمدند و هر دو (هر یکی باده سوار) در میان (هر دو) صف بهم رسیدند و با یکدیگر بنشستند و سخن گفتند^{۱۴۹} بعد از ان غازان بازگشت ویدماوند رفت و در ماه ذی قعدة (سنه اربع و تسعین و ستمایه هجری) با لشکری تمام مراجعت کرد و امیر (بزرگ عادل) نوروز (فیروزبخت)^{۱۵۰} را با لشکری از بیش بفرستاد و چون نزدیک رسیدند در سیاه کوه تمامت امرا و لشکر میل غازان (خان) کردند بعضی روی بخدمت او نهادند بیدو بگریخت تمامت لشکریان بخدمه غازان خان آمدند بعد از ان لشکر بفرستاد و او را گرفته بازگردانیدند و در تبریز هلاک کردند در اخر دی قعدة سنه اربع و تسعین و ستمایه والله اعلم و احکم (ومده بادشاهی بایدو خان هفت ماه بود)^{۱۵۱}

غازان خان بن ارغون خان بن اباقا بن هولاکوخان^{۱۵۲} باری تبارک و تعالی او را با سلام مشرف کردانید و عدلی و انصافی و مهابتی (۲۴) و کرمی و شوکتی عظیم بوی داد و تمامت اهل اسلام باعتقادی هرجه تمامتر او را دوست داشتند و باتفاق بادشاه زادگان و خواتین و امرا او را بر تخت بادشاهی نشانند.

(و مصالح تمامت لشکریان و ممالک بشوکت ان سلطان اعظم بناه اهل ایمان ناصرالدین الله ادام ایام دولته کرد)^{۱۵۳}

و او را عدلی بود که تمامت خلایق در ظل رافت او در بادشاهی بودند و شفقتی تمام برخلایق داشت و در اعلا اعلام شرع و قمع همه اعادی دین نبوی علیه افضل الصلوات واکمل التحیات^{۱۵۴} سعی جمیل فرمود جنانک اثاران تا انقراض دورکیتی باقی خواهد ماند و شجاعت و کرم و معدلت (ا) و اثار و اخبار رستم و حاتم و انوشروان^{۱۵۵} منسوخ کرد و مهابت او در دل اعدای مملکت از شمشیر بران موثر است.

اگر صد کتاب در عدل و شفقتی که او را بر خلایق عالم بنویسند عسری از عشیران نتوان داشت والله اعلم و احکم^{۱۵۶}

نسخه مانیسا ۱۳۵۴ (f.53v) ادامه می‌دهد:

... و او راجند وزیر بود اخر همه وزارت بسعد الدین محمد الساوجی فرمود و او را بر ممالک حاکم کردانید و در عراق میان بغداد و حلّه.. (فرمود تا بسازند)^{۱۵۷} نهری (۱۵۴)... و اب برد و عمارت و زراعت بسیار بران بنا... غازانی خوانند و بمشهد معظم شیخ بزرگوار شیخ (رحمت الله) علیه از فراه اب برد و برمشاهد مولانا امام المتقین (علی بن ابی طالب؟) و امیرالمومنین حسین بن علی علیهم السلام اب برد و وقفه‌ها بسیار... دبداد و همچنین جندان دبه جهت حرم مکه شرف الله تعالی... و دیگر جهت حرم رسول صلی الله علیه و سلم و در مرغزارسنگ که در حدود همدانست رباطی بنا کرد^{۱۵۸} و اوقاف بسیار بر کدرندکان وقف کرد و کردا کرد شهر تبریز و بستانها بارو کشید (اما؟) باتمام نکرد و شهر اوجان را حصار ساخت و در بغداد و تبریز و اصفهان و شیراز و دیگر شهرها دارالسیاده فرمود ساختن و بر سادات وقفها کرد و اثار عدل او بسیارست و در سنه ثلاث و سبعمایه در حدود قزوین بجوار حق بیوست و مرقد او در شهر تبریز است کنبدی عالی که ازان عالی ترکنبد کس ندیده است و مده ملک او ده سال بود.

اولجايتوسلطان بن ارغون خان جون غازان خان نماند او در خراسان بود وبرا در
غازان خانست و غازان خان او را ولي عهد خود کردانیده بود (ب ۵۴) جون خبر
وفات برادر شنيد از خراسان ... اربع و سبعمایه باتفاق بادشاه زادگان و خواتين
(وامرا برتخت؟) نشست و حق تعالی او را باسلام مشرف کردانید... برکافه عالم
بکسترد

و در سنه اربع و سبعمایه بنیاد شهر (سلطانیه؟) ... نهادن و عمارتهاء عالی در
انجا بنا کرد و عالم بعدل و داد... ورايات اسلام برافراشت با ری تعالی دولت این
بادشاه... سالهائ بسیار برکافه خلایق مخلص و مستدام داراد بالحق النبی...^{۱۵۹}



پی‌نوشت‌ها

۱. این مقاله ادامه مقاله مندرج در (studies Iranica, 30/1(2001) pp.67-86 است. تکمیل این مقاله مرهون یک نیمسال کامل در حضور ویلیام دی. لوگهیلن از دانشکده مطالعات تاریخی در موسسه مطالعه پیشرفته در پرینستون است. همچنین از بنیاد یادمان سودآور به خاطر حمایت‌های مالی و معنوی ارزشمند بسیار سپاسگزارم.
۲. p.824,1881.Rieu. مربوط است به 708,Add.16.BL (به اشتباه ۱۶۷۰۳ چاپ شده است) من اثبات خواهم نمود که در واقع این نسخه را می‌توان به بیضاوی نسبت داد، نگاه کنید به پایین.
۳. در خصوص بلعمی نگاه کنید به Daniel, 1990 که ۱۶۰ نسخه را فهرست نموده و همان ماخذ 2003 و پاورقی شماره ۱۲، پایین.
۴. نگاه کنید به تصحیحات حیدرآباد ۱۹۳۰ و تهران ۱۹۳۵ (به ترتیب بیضاوی/ه و بیضاوی/ت). هنگامیکه قسمت اول این مقاله به پایان رسید تصحیح سومی از این اثر توسط میرهاشم محدث در تهران منتشر گردید، تهران ۱۳۸۲ ه.ش. ۲۰۰۳ م. من در مقاله خود تحت عنوان "نظام‌التواریخ قاضی بیضاوی در سفینه تبریز" که در سال ۲۰۰۷ چاپ خواهد شد در خصوص این تصحیح مطالبی نگاشته‌ام (از این پس با عنوان بیضاوی/م).
۵. مقایسه کنید با بیضاوی/ت، صص ۳ (عدد هشت را پیش‌بینی می‌کند)، ۶۰ (برای نه طایفه تبلیغ می‌کند اما ده طایفه را نام می‌برد)؛ بیضاوی/م، صص ۴ (عدد نه را پیش‌بینی می‌کند)، ۸۵ (برای نه طایفه تبلیغ می‌کند اما ده طایفه را نام می‌برد). هر دو در واقع تنها به نه طایفه می‌پردازند و غوریان را حذف می‌کنند. بیضاوی/ه، صص ۲، ۵۵ به شکلی سازگار تنها هشت طایفه را ذکر می‌کند (همچنین غوریان را حذف می‌کند). نسخه سفینه درست به مانند نسخه مانيسا (f.28v) به طور خاص در باب غوریان به عنوان طایفه چهارم به بحث می‌پردازد (ص. ۱۹۴) اگرچه که در اینجا یک مورد آشفتگی کلاسیک رخ می‌دهد. به این صورت که طایفه بعدی دیلمیان نیز به عنوان چهارم شناخته می‌شود اما طایفه هفتم وجود ندارد به گونه‌ای که مغولان طایفه نهم می‌شوند. جدای از این دو مورد معمولاً غوریان ذیل غزنویان مورد بحث قرار می‌گیرند (در بیضاوی/ه، صص ۶۲-۳، بیضاوی/ت، ص ۶۸، بیضاوی/م، صص ۹۶-۷) استثنائاً، در کتابخانه مرکزی تهران ۲۱۱۱، f.64r هرچند یک شماره مجزا به غوریان داده نشده یک زیر عنوان با رنگ قرمز دارند.
۶. نکته قابل توجه آن است که اسماعیلیان در هیچ یک از چهار نسخه مقدماتی که در زیر در باب آنها بحث می‌شود گنجانده نشده‌اند. آنها در حواشی f.37r.Princeton Garrett 247B ظاهر می‌شوند. اما نه در متن سفینه و نه در نسخه مانيسا ۱۳۵۴ دیده نمی‌شوند. در نسخه قاهره چنانکه در نسخ متأخر اتفاق افتاده اسماعیلیان در فهرست آمده‌اند (f.15r) اما حذف شده‌اند. اینکه آنها گاهی در نظمی غلط گنجانده می‌شوند نشانه آشفتگی است.
۷. اما شایسته توجه است که در دو تا از متقدم‌ترین متنها آنها شماره هشت هستند؛ پرینستون و قاهره (مثل بیضاوی/ه) و گاهی به نظر می‌رسد که تحت نام خوارزمشاهیان گنجانده شده‌اند. نسخ بسیاری حتی وقتی که عملاً نه دودمان را توضیح می‌دهند تنها هفت یا هشت دودمان را در فهرست می‌آورند.

8. Oxford Elliott 345.

- به عنوان مثال شامل طول غالب حکومتها در بخشهای سه و چهار است در حالیکه غالب نسخ واجد آن نیستند و ادوار حکومتهای کیانیان و اشکانیان را حذف می‌کنند.
۹. مقایسه کنید با مقاله پیشیناز سیلوستر دوساسی، ۱۷۸۹ م. به ویژه جدول بندبها در صص ۶۷۸-۸۰.
۱۰. بیضاوی / م.، ص ۳؛ نگاه کنید به Melville, p.75, note 33.
۱۱. این نکته تا حدودی تاخیر طولانی میان قسمت اول و قسمت دوم را توضیح می‌دهد. اندرو پیکاک از روی لطف به جای من چند نسخه را در ترکیه بررسی نمود. (نگاه کنید به ضمیمه ۱)؛ بدون آن کمک این تحقیق در تله ساده‌سازی زیاد افتاده بود.
۱۲. نگاه کنید به رساله‌ای که توسط پیکاک در سال ۲۰۰۳ م. نوشته شده و هم اکنون برای انتشار آماده می‌شود، و شماره ۳ در بالا.
۱۳. به خاطر این پیشنهاد از پروفیسور حسین مدرس‌سیاسی سپاسگزارم.
۱۴. Melville, in press, 2007. پس از آن تاریخ من روگرفتی از نسخه مانیسا ۷۱۴ ه.ق. / ۱۳۴۱ م. (نگاه کنید به زیر) را به دست آوردم و بخت آن را داشتم که نسخه پرینستون را مورد ارزیابی مجدد قرار دهم.
۱۵. Princeton Garrett 247 B که (با اندک تغییراتی) ادامه می‌یابد با Paris BnF, Ancien fonds 117, Oxford Ouseley 9.
- بیضاوی / ه، ص ۸۳ و همچنین نگاه کنید به پایین صص ۱۸-۱۹
۱۶. کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۲۱۱۱؛ ایا صوفیا ۲/۳۶۰۵
- Trinity R.13.32; Leiden 681; Oxford Elliot 345.etc. ،
- توام با مغایرتهای جزئی و تغییراتی در زمانهای افعال. مقایسه کنید با بیضاوی / ت، ص ۹۵، بیضاوی / م.، ص ۱۳۳
۱۷. pp.272-5, 1988, Lambton بهترین تبیین را از دوران زندگی وی به دست داده و مرگ وی را به استناد وصاف در ۶۸۵ ه.ق. می‌داند. وصاف، ۱۲۹۶ ه.ق.، ص ۲۲۲ صرفاً می‌گوید که وی بیست و دو سال حکومت کرد (=۶۸۴)؛ مرسیل تاریخ ۱۱ ذی‌القعدة سال ۶۸۵ ه.ق. را به دست می‌دهد؛ Mercil, pp.10, 1975, 122 وی به تاریخ جهان‌آرای غفاری (۹۷۲ ه.ق. / ۱۵۶۵ م.) استناد می‌کند نگاه کنید به ص ۱۲۷. لین عامداً در این مورد ساکت است. Lane, pp.148-9, 2003.
۱۸. بیضاوی / ه، ص ۸۰، بیضاوی / ت، ص ۹۰. بیضاوی / م.، ص ۱۲۷، لیکن مرگ وی را در ماههای سال ۶۸۶ ه.ق. می‌داند، قرائتی که که توسط هیچ یک از نسخی که توسط محدث برای این تصحیح به کار رفته تصدیق نشده است، مقایسه کنید با Melville, in press, 2007.
۱۹. مانند نسخه کتابخانه مرکزی تهران f.36v, 2748 و نسخ ذیل:
Leiden 681 f.35 v ; Oxford Elliot 345 f.696r. Ouseley Add.115.f.28r, Ouseley 9.f.54 v;
Paris Bnf.Ancien fonds 117.f.56r and Suppl.pers.192.f.44r.
۲۰. مانند نسخه کتابخانه مرکزی تهران f.99r, 2111 و نسخ ذیل:
Aya sofya 3605/2, f. 169v; Bl, I. O. Islamic 1346, f. 60r; Manchester JR. 438, f.40v; Paris BnF, Ancien fonds 92.f.64r(689H.); St Petersburg, IOS.2428; Nlr.Khanikov 67.f.71r.

۲۱. به خصوص در نسخه کتابخانه مرکزی تهران ۲۱۱۱ که یکی از متقدم‌ترین نسخ روایت A می‌باشد به راحتی تشخیص داده می‌شود.

22. Richard 1989, p.116.

۲۳. مقایسه کنید سیلوستر دوساسی ۱۷۹۸، صص ۶۹۰-۹۵ را با بیضاوی/ت، صص ۸۵-۹۱.

۲۴. این مشابه حکایت مذکور توسط البریج نیست. Walbridge, 1992, pp.20-1. من در پی منبع این داستان نبوده‌ام؛ این داستان در *تدخیرات/الشعراء* دولت‌شاه که ضمناً استفاده کافی از اثر بیضاوی به عمل آورده نیست.

۲۵. همین تاریخ در مستوفی ۱۳۶۲ ه.ش.، ص ۵۹۱؛ رشیدالدین ۱۳۷۳ ه.ش.، صص ۱۰۶۲-۳ یافت می‌شود اما تاریخ متقدم‌تری را برای عزیمت یوشمات ذکر می‌کند؛ سوم شوال ۶۶۳ ه.ق/نوزدهم جولای ۱۲۶۵ م.

۲۶. این قولنج را مستوفی ذکر کرده اما رشیدالدین به آن اشاره نکرده است، ذکر از محل ساسی ۱۷۹۸، ص ۶۸۲.

۲۸. من به عوض آنکه تلاشهای ضعیفی انجام دهم کوششی نکرده‌ام تا هیچ از اینها را مشخص کنم. کسی می‌گوید که مقصود از جنگیزخان شاهنشاه است؛ این شعر همچنین تقریباً به همین سان در شعر

وقایع‌نگاری شمس‌الدین یافت می‌شود، جنگیزنما، موزه اسرلری ترک و اسلام، نسخه ۱۹۵۳، f.48r.

۲۹. امکان دارد که این اثر باشد؛ میرخواند، جلد پنجم، ۱۳۳۹ ه.ش.، اما در گزارش این اثر، تاریخی داده نمی‌شود و اصلاً به ازبکان تشنه به خون اشاره‌ای ندارد چه رسد به آنکه بنویسد سیصد هزار سرباز نزدیک رسید.

۳۰. برگ 67r-v، مقایسه کنید با جوزجانی، ۱۳۴۳ ه.ش.، جلد دو، صص ۱۰۲-۳. در خصوص داستان سفارت خوارزمیان در چین.

۳۱. اطلاعات (به عنوان مثال تلفات در نیشابور) از سیف الهروی ۱۹۴۴، ص ۶۳. این نسخه همچنین عدد یک میلیون و سیصد هزار کشته در هرات را به دست می‌دهد که سیف (۱۹۴۴، ص ۵۷) به مرو مربوط می‌کند. در خصوص یک میلیون و هشتصد هزار تلفات در بغداد نگاه کنید به یافعی (به تاریخ ۷۶۸ ه.ق. / ۱۳۷۶ م.)، ۱۳۲۸ ه.، جلد چهارم، ص ۱۳۷، (مستند به f.68r).

۳۲. مع هذا تاریخ ۶۹۴ هرگز در نسخ گروه A به کار نرفته و ممکن است که کاتبان گروه B با مقداری توجه بیشتر کوششی به کار برده باشند برای آنکه آغاز با پایان متن مرتبط گردد. نگاه کنید به ضمیمه ۱. به هر روی محرم ۶۹۴ قبل از آخرین تاریخ مذکور است. ناشر ساسی نظر وی را مراعات نکرده و ۹۷۴ را به عنوان تاریخ نظام/التواریخ قرائت کرده (و آن را به این تاریخ برگردانده است) ساسی، ۱۷۹۸، ص ۶۲۷.

۳۳. دارالکتب، مجامع طلعت ۳۹۴، f.24r. من به ابوالعلاء سودآور و حسین مدرسی برای قرائتشان از این خاتمه‌الکتاب مدیونم. کاتالوگ *فهرست المخطوطات الفارسیه*، جلد دوم، نام کاتب را به عنوان ابن مسعود ابن غلیب داراست اما علی بوضوح ترجیح دارد.

۳۴. و صاف، ۱۲۶۹ ه.، صص ۲۲۴، ۲۲۰، ۱۹۵؛ رشیدالدین ۱۳۷۳ ه.ش.، صص ۱۱۷۶، ۱۰۶۳، وی را خواجه سعید می‌نامد و پسرش وزیر را نظام‌الدین ابوبکر (در متن چنین آمده است)، خلط آشکاری صورت

- گرفته است؛ خواجه نظام‌الدین از این (معرکه) جان به در برد اما خیلی زود بعد از آن مجازات گردید، مقایسه کنید با وصاف، ۱۲۶۹ هـ، ص ۲۲۸. همچنین نگاه کنید به Aigle 2005 pp.140-141. مطمئناً رفتن به زیارت راه خوبی برای فرار از محکمه بوده است. اشاره‌ای محتمل در تاریخ الجایتو است جایی که امیر محمد دوات‌دار در رخدادهایی که حول سقوط سعدالدین وزیر در ۷۱۱ هـ رخ داده دخیل بوده است. کاشانی ۱۳۴۸ هـ ش، ص ۱۳۱. وصاف ۱۲۶۹ هـ، ص ۵۵۴. می‌نویسد که محمد خواجه نامی الجایتو را در حمله به الرحبه بعد از این سال (سال اتمام متن قاهره) همراهی نموده است، همان اندازه باورکردنی است.
۳۵. در این نسخه که سفینه (جنگ) است نظام‌التواریخ نخستین قسمت آن است. بقیه بخشهای آن متون مشهور فلسفه اسلامی است که شامل شروحو است که معاصر جواتر بیضاوی، قطب‌الدین شیرازی بر حکمه‌الاشراق سهروردی نوشته است. (از حسین مدرسی به خاطر روشن کردن هویت آنها سپاسگزارم) ۳۶. متاسفانه من روستای مورد بحث را ردیابی نکردم. رشیدالدین ۱۳۷۳ هـ ش، ص ۱۲۰۱ می‌گوید که آقبوقا در نزدیکی اهر با گیخاتو برخورد کرد.
۳۷. وصاف ۱۲۶۹ هـ، ص ۲۸۳، تنها جمادی‌الاول را دارد یعنی اندک زمانی پس از مرگ گیخاتو. هرچند که در مورد تواریخ وی قابل اعتماد نیست. نسخ متأخر (f.71r; Add.16708.BL f.100v, 1859) هشتم جمادی‌الاول را به دست می‌دهند اما این بسیار نامحتمل است که تنها دو روز پس از مرگ گیخاتو قاصدان به سوی غازان و بایبدو فرستاده نشده باشند با خبر مجازات وی تا ۱۹ جمادی‌الاول، نگاه کنید به رشیدالدین ۱۳۷۳ هـ ش، ص ۱۲۰۲.
۳۸. مقایسه کنید با Melville 2001 pp.79-80.
۳۹. pp.84 ff. pp.72-3; Masuya 2002. esp. pp.97-101; Meilikian-Chirvani 1991. Minorsky 1964
- نسبت دادن بناسازی به آباقا براساس مستوفی ۱۳۷۸ هـ ش، صص ۱۰۶-۷ است که لغاتی که وی می‌نگارد به وضوح بازتاب‌دهنده لغات بیضاوی بوده و براساس شواهد کاشی زینتی تاریخ‌نویسی شده است. با این حال محال نیست که این برنامه را هلاگو شروع کرده باشد چنانکه در مورد سلطانیه بعداً توسط ارغون شروع شد و توسط الجایتو تکمیل گردید.
۴۰. وی آغاز ناگهانی جنگ با برکه‌خان را در ۶۶۳ هـ ق. (به جای ۶۶۰ هـ ق.) و مرگ هلاگو را در ۶۶۶ هـ ق. (به جای ۶۶۳) و مرگ آباقا را در ذی‌الحجه ۶۸۴ (به جای ۶۸۰) می‌داند. این اشتباهات حداقل بیانگر آن است که وی مستقل از رشیدالدین می‌نوشته است.
۴۱. البته همه اینها خیلی خوب مناسب استدلالاتی است که توسط لین پیش آورده شده است. Lane 2003. مقایسه نمایید با مروری که توسط من انجام گرفته است: *Bulletin of the school of Oriental and African Studies* 67.2004. pp.238-40.
۴۲. رشیدالدین ۱۳۷۳ هـ ش، ص ۱۱۸۹. وصاف ۱۲۶۹ هـ، صص ۲۷۲، ۲۶۰. نشان می‌دهد که این نامی بوده که در اسناد حکومتی وی استفاده می‌شده است.
۴۳. دعا‌هایی متفاوت با ظاهر مذهبی هستند که پیش از پایان و همواره برای ختم نسخه آورده می‌شوند. نگاه کنید به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران الهیات ۳۰۳؛ ادینورو ۴۱۲؛ Add.16708.BL کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۵۳۵۲، و غیره با کمترین تغییرات. نگاه کنید به ادامه مطلب در این مقاله.

۴۴. نگاه کنید به شهادت تاج‌الدین تبریزی که آنجا در دهه بیست و نهم یعنی بعد از ۶۹۴ هـ تحت نظارت بیضاوی تحصیل می‌کرد، درالصفادی ۱۹۹۸، ص ۲۲۰؛ و مقایسه کنید با p.70.Melville 2001
۴۵. به عنوان مثال نگاه کنید به بیضاوی/م، صص ۴، ۸۷؛ ملویل، مقاله تحت انتشار، ۲۰۰۷ م.
۴۶. بیضاوی/م، ص ۱۱۹.
۴۷. به عنوان مثال: کتابخانه مرکزی تهران ۵۳۵۲، f.47r؛ f.59v، Bl.Add.16708
۴۸. تاریخی که داده شده تقریباً ذی‌القعدة ۶۸۶ هـ ق. یا برخی مواقع ذی‌الحجه است. تنها استثنائات مذکور در نسخ Oxford Sale 51 و تهران الهیات ۳۰۳ هستند که مانند نسخ روایت A سال ۶۸۷ هـ ق. را به دست می‌دهند.
۴۹. نگاه کنید به بالا شماره ۱۷
۵۰. بیضاوی/ه، ص ۷۴، بیضاوی/ت، ص ۸۲، بیضاوی/م، ص ۱۱۴.
۵۱. قاهره، نسخ هـ ۳۹۴، F.22V. این فقره تنها در متون گروه B وجود دارد.
۵۲. شبانکاره‌ای، ۱۳۶۳ هـ ش، ص ۱۷۹. مقایسه کنید با Aubin 1995، pp.76-77
۵۳. ثمرات نیک این رهیافت در رساله منتشر نشده دکتری آدام جاکوب نشان داده شده است. (نگاه کنید به Jacob 1999). همچنین می‌توان در نظر آورد که از این نظر نظام‌التواریخ از ترجمه بلعمی تاریخ طبری متفاوت است. آنچنانکه پیکاک استدلال کرده است (منتشر خواهد شد) ترجمه بلعمی ایرانی‌سازی تاریخ اسلامی نیست بلکه بیشتر طراحی شده است تا تاریخ مقدس اسلامی را در آسیای مرکزی سامانی تقویت نماید. ممکن است که ضرورت مشابهی توسط کسانی که مسوول این متون مبسوط تولید شده در بخارا و بدون شک در جای دیگری در حدود قرن نوزدهم هستند احساس شده باشد. بررسی این مساله که آیا مطالبی که درباره پیامبران است علاوه بر منابعی از قبیل میرخواند مستقیماً مدیون چیزی در اثر بلعمی هست یا خیر جالب خواهد بود.
۵۴. علیرغم این اظهار صریح، این متن عملاً تا سال ۹۳۹ هـ ق. آورده شده است. نگاه کنید به زیر.
۵۵. به اندرو پیکاک به خاطر اینکه هر دو نسخه را برای من بررسی کرده و قسمت پایانی که درباره مغولان است و تفاسیر من بر مبنای آن قرار دارد را رونویسی نموده مدیونم. خاتمه‌الکتاب در اینجا نوع دومی از گروه روایت A است. نگاه کنید به بالا، ص ۱۲. نسخه رضا پاشا ۲۳۴، نسخه متأخر دیگری از قرن ۱۱-۱۲ هـ ق. / ۱۷-۱۸ م. وجود دارد که براساس p.93,1931.Tauer برای ادامه الجایتو به کار می‌رود با همان خاتمه‌الکتاب، اما من جزئیات بیشتری از آن را نمی‌دانم. هم این نسخه و هم نسخه‌ای که در اوپسالا گزارش شده است (نگاه کنید به ضمیمه ۱) به احتمال باید مشابه یکی یا دیگر نسخه‌ای باشد که قبلاً توصیف شد.
۵۶. فاتح ۴۲۱۳، مقایسه کنید با f.2v، BnF Suppl.pers.1362؛ Suppl.pers.1518 اما متقدم‌ترین آنها f.2r، Suppl.pers.191 به نحو صحیح تاریخ ۶۷۴ هـ ق. را داراست.
۵۷. شاید اشاره‌ای به باغشاه در آران است جاییکه ارغون از دنیا رفت. مقایسه کنید با رشیدالدین، ۱۳۷۳ هـ ش، صص ۱۸۰ و ۱۸۲؛ همچنین نگاه کنید به زیر، با این حال جاییکه بدان به عنوان باغ اشاره می‌شود در تبریز بود.

۵۸. احمدخان در فاتح ۴۲۱۳ در شش کلمه میان گیخاتووارغون (در متن چنین آمده است) باقی مانده است.

۵۹. یعنی روز صحیح (و محل) به غیر از سال مرگ هلاگو که درست آن ۶۸۰ ه.ق. است.

60. Suppl.pers.191.f.44r-v.

۶۱. برای مثال به نظر می‌رسد که دست‌نویسنامه انوری متعلق به سال ۱۴۶۵ م. تا بخش پانزدهم (سلغریان) اصلاً براساس بیضاوی بنا شده باشد، نگاه کنید به Sara Nur Yildiz, 2003, p.404.

۶۲. ترجمه‌ای قرن شانزدهمی در کتابخانه دانشگاه استانبول وجود دارد: Turkce Yazmalar 877 ترجمه و دنباله دیگری که تا زمان محمد سوم (۱۵۹۵-۱۶۰۳ م.) ادامه می‌یابد با عنوان انیس‌الملوک در سال ۱۰۸۶ ه.ق./۱۶۷۵ م. توسط مصطفی بن الشیخ عبدالرحمان استنساخ شده است، سلیمانیه، حمیدیه ۸۹۰. این اثر به صورت یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه استانبول تصحیح شده است؛ مقایسه کنید با Basar 1986. آن بخش از بیضاوی که تا آقا ادامه می‌یابد به آن فاطمیان، ایوبیان، مملوکان و عثمانیان تا محمد سوم افزوده می‌شوند. (از جودیت پیفر برای این اطلاعات سپاسگزارم.) استوری در Storey, p.71 دیگر آثار را فهرست می‌کند و مقایسه کنید با Bregel, p.301. ترجمه ترکی دیگری در پرینستون است، پرینستون گارت نسخه 494 Y (Yahuda)؛ تنها برای پیچیده کردن مطالب، این روایت در سال ۱۲۸۴ ه.ق./۱۸۶۷ م. استنساخ شده است و با کنار گذاردن اسماعیلیان تا زمان مرگ ارغون ادامه می‌یابد.

۶۳. مادّه‌های تاریخ برای بازید ۸۰۴ ه.ق. را به دست می‌دهد.

۶۴. محتمل است که نسخه‌ای قرن هفدهمی که بیشتر در مجموعه محمد شفیع در لاهور بوده است و در سال ۷۱۹ ه.ق./۱۳۲۰ م. در دوران حکومت ابوسعید نگاشته شده نیز منعکس کننده این جنبه از اثر باشد؛ این تاریخ اشاره‌ای جدی دارد به اینکه در پی نجات یک ایلخان جوان از شورش جدی در آن سال یعنی در آغاز دوران حکومت وی قرار دارد. نگاه کنید به Melville 1997. متأسفانه من نتوانستم این نسخه بحث‌انگیز را مورد بررسی قرار دهم، نگاه کنید به ضمیمه یک.

۶۵. ایا صوفیا ۳۱۵۰، به تاریخ ۸۵۱ ه.ق./۱۴۴۷ م. تردید نیست که نسبت به آنچه که تاکنون مورد توجه قرار گرفته نسخ بسیار بیشتری از ترجمه ترکی نظام‌النواریخ وجود دارد، اما مشخص نیست که مقبولیت این اثر به اندازه مقبولیت بلعمی بوده باشد. پیکاک به اختصار درباره این موضوع بحث کرده است (در آینده منتشر خواهد شد). وی دست کم چهار ترجمه جداگانه را ذکر می‌کند.

66. BL, Add.27261, f.302r.

Rieu, 1881, pp.868-71 گزارشی از محتویات این گلچین ادبی به دست می‌دهد.

1977, Titley, p.39 تصاویر را فهرست می‌کند. برای بحث در خصوص این محتویات و مقصود از یک گلچین ادبی مشابه که برای همان پادشاه در همان دوران تهیه شده نگاه کنید به Soucek 1992.

۶۷. این متن حاوی یک یا دو عبارت است که در جای دیگر پیدا نشده است. اما توصیف آقا با عنوان نیکوسیرت شاید نه به نحو کاملاً تصادفی در دو نسخه پاریس دوباره ظاهر می‌شود:

Suppl.pers.1362 & 1518. نسخه این گلچین ادبی با دربرداشتن غوربان و اطلاعاتی هرچند (طبق

معمول) ناصحیح که در جای دیگر یافت نمی‌شود جالب است. قلمرو آنان را از خراسان تا عراق و ری آورده است؛ مقایسه کنید فهرستی را که در f.301r آمده با متنی که در 301v-302r آمده است.

۶۸. این نکته شایسته توجه است که در برابر این وسوسه‌ای که متن ادامه یابد تا شامل جانشین اسکندر سلطان- تیمور- شود مقاومت شده است.
۶۹. مرسیل از تصحیح حیدر آباد استفاده می‌کند.

Mercil, 1975 .

۷۰. ما به خصوص می‌توانیم به سه گروه از نسخ A که همگی با این جمله که مؤلف پس از مرگ آباقا در این مختصر چیزی نگنجانده است و نسخ گروه B که بخش مطولی درباره پیامبران دارند. (نگاه کنید به ضمیمه ۱) توجه نماییم.

۷۱. عزیزالله عطاریدی، سیری در کتابخانه‌های هند و پاکستان، (تهران)، ۱۳۷۶ ه.ش. / ۱۹۹۷ م.، ص ۳۰۲. از حسین مدرسی به خاطر این مرجع سپاسگزارم.

۷۲. این فهرست، فهرست المخطوطات الفارسیه، قاهره، ۱۹۶۷، دوم، صص ۲۱۷-۲۱۸، ۲۵ را به دست می‌دهد، رجوع کنید. از برنارد آکان که نسخه چاپ شده‌ای از میکروفیلم این نسخه را به من رساند سپاسگزارم و اکنون از فونب لوکی مالون به خاطر نسخه دیجیتال این نسخه که به لطف اجازه دکتر محمد صابرعرب و دکتر شریف شاهین رئیس هیئت مدیره و رئیس کتابخانه و آرشیوهای مصر تهیه گردید سپاسگزارم.

۷۳. ای. ایچ. پالمز تاریخ ۱۵۸۵ (ص. ۷۶) را به دست می‌دهد. (ادامه در صفحه بعد)

E.H. Palmer, *A descriptive catalogue of the Arabic, Persian and Turkish manuscripts in the library of Trinity College, Cambridge*, Cambridge, 1870, pp.69-76.

74. A. M. Mirzoev and A.N.Boldyrev, *Katalog vostochnykh rukopisej Akademii Nauk Tadzhikskoi SSR*, vol. I, Stalinabad, 1960, pp.136-137 (nos.134-135).

این نسخه‌ها را به شخصه ندیده‌ام، نگاه کنید به p.300, Bregel از روبرت مک چسنی به خاطر آنکه در این مورد نسبت به من به قول خود وفا نمود تشکر می‌کنم.

75. *A descriptive catalogue of the Arabic and Persian manuscripts in Edinburgh university Library*, Edinburgh, 1925, pp.366-367.

76. Ramazan Sesen, "Turkiye Kutuphanelerindeki Tanilimis bazi Farsca Yazmalar", *Islam Tetkikleri Dergesi* 8 (Istanbul, 1984), pp.5-70, see p.20.

مشخصات دیگری داده نشده است.

از JP برای این مرجع و از AP به خاطر فرستادن یک نسخه برای من سپاسگزارم.

77. M. M. Musharraf-ul-Hakk, *Verzeichnis der persischen und hindustanischen Handschriften der Bibliothek der Deutschen Morgenlandischen Gesellschaft zu Halle*, Halle, 1911, p.68; .

مقایسه کنید با Storey, pp.70-71. از پروفیسور جی. جی. ویتکام به خاطر نسخه این مدخل فهرست سپاسگزارم.

78. C.Brocklemann, *Katalog der orientalischen Handschriften der Stadtbibliothek zu Hamburg...I. Die arabischen, persischen...Handschriften*, Hamburg, 1908, pp. 119-20 (Orient. 187); .

مقایسه کنید با Storey, p.71.

۷۹. برای کتابخانه‌های حیدرآباد نگاه کنید به عطاردی ۱۳۷۶ ه.ش.، صص ۱۱۷-۱۷۸.
۸۰. در مقدمه تصحیح حیدرآباد، شمس‌الله قدری به نسخه ۵۲ برگی دیگری که به نحو بدی آسیب دیده و در مالکیت خود اوست اشاره می‌کند که توسط محمد علی جیل رودی در سال ۱۰۶۴ ه.ق / ۱۶۵۴ م. با خط نستعلیق استنساخ شده است. عبارات مفقود توسط نسخه‌ای در لاهور تکمیل شده‌اند. (نگاه کنید به پایین)

۸۱. نگاه کنید به

M.Ashraf, *A Catalogue of the Persian manuscripts in the Salar Jung Museum and Library*, vol. I : History, Hyderabad, 1965, pp. 6-9 (no.6).

به BP به خاطر بررسی این نسخه و تهیه تعدادی عکس برای من مدیونم، برای آنها نگاه کنید به Melville, in press, 2007.

۸۲. از فرانسیس ریشارد به خاطر یادداشت‌هایش از این نسخه از استانبول و از منصور صفت‌گل برای کمک به من برای به دست آوردن یک فتوکپی در تهران سپاسگزاری می‌کنم.

۸۳. در Tauer, 1931, p.93، حسن هوسنوپاشا ۸۵۰، شماره شده است.

۸۴. همان، ۹۳. این نسخه دیده نشده است. احتمالاً تا دوران الجایتو نیز ادامه می‌یابد (JP).

85. S. de Laugier de Beaurecueil, *Manuscripts d'Afghanistan*, Cairo, 1964, pp. 195, 292, 280 respectively.

این نسخ دیده نشده‌اند. مقایسه کنید با Bregel, p.298.

۸۶. الف. منزوی، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، جلد ده، اسلام آباد، ۱۹۸۷ م.، ص ۹۰.
برای کتابخانه نگاه کنید به عطاردی ۱۳۷۶ ه.ش.، صص ۳۹-۴۰.

۸۷. این شاید درست مانند نسخه‌ای باشد که در مجله 2/3 Oriental College Magazine, 1929, p.56 گزارش شده که توسط استوری در 1970, Storey, p.71 آمده است. همچنین نگاه کنید به؛ منزوی، ۱۹۸۷ م.، ص ۹۰ و نیز:

S.M.Abdullah *A descriptive catalogue of the Persian, Urdu and Arabic manuscripts in the Panjab University Library*, vol. I, fasc., Lahore, 1940, p.2.

۸۸. برای این مجموعه نگاه کنید به عطاردی ۱۳۷۶ ه.ش.، ص ۴۰۶. این مجموعه پراکنده شده است، بخشی در کتابخانه دانشگاه پنجاب است، برای آن نگاه کنید به همان، ص ۳۹۱-۲. جای تقریبی این نسخه خواستنی دور از دسترس مشخص نیست. (عارف نوشاهی، pers.comm)

۸۹. منزوی ۱۹۸۷، ص ۹۰. ممکن است که نمایانگر روایت مستقلی از این متن باشد. برخی جاهای خالی در دومین نسخه‌ای که برای تصحیح حیدرآباد استفاده شده وجود داشته است. از قرار معلوم این همان نسخه‌ای است که به آن به عنوان مکمل برای آن جاهای خالی ارجاع داده شده است. نگاه کنید به بالا شماره ۸۰. متأسفانه مصحح استفاده کاملتری از آن به عمل نیاورده است.

90. P. de Jong, *Catalogue Codicum Orientalium Bibliothecae Academiae Regiae Scientiarum*, Lieden, 1862, pp.225-226(no.176);

این نسخه که در لیden است توسط آکادمی سلطنتی علوم و هنرها در آمستردام به امانت گرفته شده است. از جی. جی. ویتکام به خاطر فرستادن روگرفتی از مدخل P.de Jong بسیار سپاسگزارم.
91. از Prescillia Soucek به خاطر قرض دادن میکروفیلم این نسخه به من بسیار سپاسگزارم.

92. H. Ethe, *Catalogue of Persian manuscripts in the Library of the India Office*, vol. I, Oxford, 1903, p.7(no.16).

93. با تشکر از JP, نگاه کنید به بالا شماره 76.

Sesen 1984, p.20.

94. از AP به خاطر آنکه این نسخه را به نیابت از من بررسی کرد و برگهای پایانی آن را رونویسی نمود و مرا برای به دست آوردن نسخه‌ای از آن یاری کرد سپاسگزارم.

95. H. Ethe, *Catalogue of the Persian, Turkish, Hindustani, and Pushtu manuscripts in the Bodleian Library* (begun by E. Sachau), part I, *The Persian manuscripts*, Oxford, 1889, col.14-16(nos.18-22).

96. عنوان (بخش) مغولان نه مثل بخشهای دیگر قرمز بلکه در سیاهی قرار دارد؛ آخرین بخش توسط یک خط کشی قرمز دوگانه چهارچوب‌بندی شده است در حالیکه باقی بخشها یک خط منفرد است. احتمالاً این به خاطر آن است که به برگهای آخر تزئین بیشتری بدهند و احتمالاً بازنویسی شده‌اند.

97. A. F.L. Beeston, *Catalogue of the Persian, Turkish, Hindustani and Pushtu manuscripts in the Bodleian Library, part III, Additional Persian manuscripts*, Oxford, 1954, p.1.

برای ملاحظات اخیر درباره حقوقی نگاه کنید به:

Brancaforte, 2003, esp. pp.67.

98. نگاه کنید به:

E. Blochet, *Catalogue des manuscrits persans de la Bibliotheque nationale de paris*, vol.I, Paris, pp.198-200, Paris, 1934, pp.121-122(no.2162); Richard 1989, pp.116,135.

99. Sacy 1798.

100. نگاه کنید به Richard 1982, Idem. 1997, pp.45-46; (no.15). p.46.

Blochet این نسخه را از ایران و از قرن هفدهم می‌داند.

101. M. E. Moghadam and Y. Armajani, *Descriptive catalogue of the Garrett collection of Persian ...manuscripts...in the Princeton University Library*, Princeton, 1939, p.25.

102. N. D. Miklukho-Maklaj, *Opisanie persidskikh i tadjhiksikh rukpisie Instituta Vostokovedenija*, vol.III, Moscow, 1975, pp.39-46, nos.218-222.

از آر. دی. مک چسنی به خاطر رساندن این نسخه به من سپاسگزارم.

103. این متن دیده نشده است. مقایسه کنید با Bregel, 300, p.

104. D. Yu. Yusupova and R.P.Dzhalilova, *Sobranie vostochnykh rukopisej Akademii Nauk Respubliki Uzbekistan Istorija*, Tashkent, 1998, pp.30-32, nos.36-40.

به خصوص گزارش مفصلی از شماره ۳۶.

از گابریل ون دن برگ به خاطر رساندن این نسخه به من سپاسگزارم.

۱۰۵. در نسخه برگردان دوباره چاپ شده است، تهران، ۲۰۰۳. نگاه کنید به سید-گهراب ۲۰۰۳، و Melville, in press, 2007.

۱۰۶. ایرج افشار، محمدتقی دانش‌پژوه و همکاران، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک*، جلد هشتم، تهران، ۱۳۶۹ ه.ش./۱۹۹۰ م.، ص ۴۵۶ رجوع کنید به شماره ۱۴۲۸.

۱۰۷. محمدتقی دانش‌پژوه، علینقی منزوی، *فهرست کتابخانه سپهسالار*، قسمت پنجم، تهران ۲۵۳۶/۱۹۷۷ م.، ص ۷۱۸.

۱۰۸. در *فهرست مخطوطات المکاتب المركزية به جمع تهران*، توسط محمدتقی دانش‌پژوه (در متن چنین آمده است) به این فهرست اشاره شده است، تهران، جلد هشتم (۱۳۳۹ ه.ش./۱۹۶۰ م.) - نه- ده (۱۳۴۰ ه.ش./۱۹۶۱ م.)، پانزده (۱۳۴۵ ه.ش./۱۹۶۶ م.) و شانزده (۱۳۵۷ ه.ش./۱۹۷۸ م.). از منصور صفت-گل برای فراهم نمودن دسترسی به این نسخ در تهران سپاسگزارم.

۱۰۹. از منصور صفت‌گل به خاطر رونوشتی از این نسخه سپاسگزارم.

۱۱۰. مشاهده نشده است. مقایسه کنید با:

C. J. Tornberg, *Codices Arabici, Persici et Turcici Bibliothecae Regiae Universitatis Upsaliensis*, Uppsala, 1864, pp.162-164, nos.235-236.

111. G. Flugel, *Die arabischen, persischen un turkischen Handschriften ...zu Wien*, vol.II, Vienna, 1865, pp. 60-61, no.825.

قدری در بیضاوی/ه، ص بیست و دو، به مشابهت نسخه خودش با نسخه وین اشاره می‌کند.

۱۱۲. براساس نسخه قاهره ۳۹۴ (که از این پس با ق نشان داده می‌شود) و نسخه مانيسا ۱۳۵۴ (که از این پس با م نشان داده می‌شود) در جاهایی که اضافاتی اساسی عرضه می‌کند (این اضافات در برانتز آمده-اند) تنظیم شده است. مغایرتهای مهمی که در واژه‌برداری در نسخه مانيسا هست و مغایرتهایی که در دیگر نسخ گروه B پیدا شده‌اند در پاورقیها با شرح آمده‌اند؛ عمدتاً نگاه کنید به کتابخانه بریتانیا نسخه Add.16708 رجوع کنید به 67v-71v (از این پس ک. ب. Add)؛ ک. ب. نسخه Or.1859، رجوع کنید به 95r-102r (از این پس ک. ب. Or)؛ ادینبور و نسخه ۴۱۲ رجوع کنید به 148r-152r (از این پس ای.). هدف من ضبط تغایرات نبوده است. به خاطر سهولت خواندن پاراگراف‌بندی به متن افزوده شده اما نحوه املاء متن حفظ شده است.

۱۱۳. تقریباً به گونه‌ای تغییرناپذیر درباره مغولان به عنوان طایفه نهم بحث شده است. در ک. ب. Add. عنوان فصل مجزائی برای مغولان وجود ندارد؛ اغلب عناوین برای فرمانروایان منفرد یا علامتی ندارد یا خالی گذاشته شده است.

۱۱۴. م. صحیحتر نبیرگان است.

۱۱۵. ک. ب. Add: رکن‌الدین خوارزمشاه؛ صحیحتر در ای. و ک. ب. Or: رکن‌الدین خورشاه، نیز در سنت پترزبورگ 302 PNS.

۱۱۶. ک. ب. Add: طبرستان.
۱۱۷. مقایسه کنید با مستوفی، ۱۳۷۸ ه.ش.، صص ۱۰۶-۷، "چنان عمیق بود که قایقرانان به قعر آن نمی‌توانستند برسند".
۱۱۸. ک. ب. Add، ک. ب. Or، ای: عمارت
۱۱۹. راه ظریفی برای اجتناب از اشاره به شکست در "عین جلوت".
۱۲۰. در واقع در سال ۶۶۳ ه.ق./۱۲۶۵ م.
۱۲۱. در ک. ب. Add عنوانی وجود ندارد.
۱۲۲. صحیح آن، سال ۶۸۰ ه.ق./آوریل ۱۲۸۲ م. است. چنانکه پیشتر ذکر گردید تمام این تواریخ اشتباه هستند.
۱۲۳. ک. ب. Add و Or/عظم و عادل را آورده‌اند.
۱۲۴. ک. ب. Add و Or /الماضی و/المغفوراً آورده‌اند.
۱۲۵. این عبارات آخری بسیار تحریف شده‌اند، تا حدودی به خاطر بی‌دقتی کاتب و تا حدودی بی‌تردید به خاطر این واقعیت که در اصل اینها برای کسی که زنده بوده به کار رفته و اکنون برای کسی که مرده است استفاده شده‌اند و هیچ کوششی برای عقلانی کردن این متن صورت نگرفته است. تغایرات زیادی در واژه‌پردازی ستایش پایانی از جوینی وجود دارد که در اینجا ضرورتاً تلخیصی از روایت اصلی است. مقایسه کنید با همان فقره در نسخه پرینستون گارت 247B در بخش اول از این مقاله، و تصحیحات منتشر شده از بیضاوی؛ بیضاوی/ه/ص ۸۳، بیضاوی/ت، ص ۹۴-۵، بیضاوی/م، صص ۱۳۲-۳.
۱۲۶. در ک. ب. Add عنوانی وجود ندارد.
۱۲۷. در اینجا اصولاً، ک. ب. Add و Or از م پیروی می‌کنند. ممکن است که جمله اضافی از ق. افتاده باشد.
۱۲۸. ک. ب. Add "به خاطر مجادله و تقابل گذشته‌اش". ک. ب. Add از م پیروی می‌کند. این گفتار چنان خلاصه شده است که کاملاً غیر واضح است. "قلعه" ممکن است که اشاره مبهمی به کلات باشد جاییکه ارغون‌خان برای مدت کوتاهی پناه گرفته بود، نگاه کنید به رشیدالدین، ۱۳۷۳ ه.ش.، ص ۱۱۴۰.
۱۲۹. هر دو متن ک. ب. در اینجا از م پیروی می‌کنند، با حفظ دو عبارت آخری.
۱۳۰. م، ک. ب. Add و Or: نزدیکان او (احمد) را که در میان آن لشکریان بودند بکشند.
۱۳۱. در اینجا هر دو نسخه ک. ب. (و دیگر نسخ) از م پیروی می‌کنند.
۱۳۲. در ک. ب. Add عنوانی وجود ندارد.
۱۳۳. این مثال خوبی از نهاد کزیک (کشیک) - گروهی از سپاهیان مغول بودند که جهت حفاظت از میان خانواده‌های اشرافی انتخاب می‌شده‌اند. مترجم) در عمل است؛ نگاه کنید به Melville 2006
۱۳۴. هر دو نسخه ک. ب. در اینجا از م پیروی می‌کنند "با توافق همه شاهدگان، خواتین و امراء بزرگ".
۱۳۵. در م و هر دو نسخه ک. ب.: نزدیکان
۱۳۶. ک. ب. Or: وی را با عذابهای سخت بکشت.
۱۳۷. هر دو نسخه ک. ب. در این جمله از م پیروی کرده‌اند.

۱۳۸. در م اینجا خالی است. سال مرگ صحیح است (مارس ۱۲۹۱)؛ وی هفت سال حکومت کرد.
۱۳۹. در ک. ب. Add جای عنوان خالی است. f.70v
۱۴۰. ک. ب. Add: نام تحریف شده است؛ در ک. ب. Or: شکتور آقا بن ایلکا (ایلگ نویان، آل جلایر).
۱۴۱. فقط در م
۱۴۲. فقط در م
۱۴۳. این فقره تنها در نسخه اکسفورد Sale 51 در f.66v آمده است. مشخصات آن در و صاف آمده است. و صاف ۱۲۶۹ ه.ق.، ص ۲۲۷، وی این امیر را تیتاق می‌نامد اما می‌گوید که برخورد با طلایه‌های سپاه بیدو سبب مرگ بسیاری از سپاهیان بیدو گردید. و صاف تصدیق می‌کند که محل عمومی این مواجهه در نزدیکی همدان بوده است. گریوه نزدیک اسدآباد است که احتمالاً قرائت بهتری برای بورآباد این متن است. متن در Sale 51 پس از این مستقیماً به اختلاف میان بوقا و تغاچار می‌پردازد. رشیدالدین ۱۳۷۳ ه.ش.، ص ۱۲۰۰ به مواجهه نزدیک همدان اشاره‌ای نمی‌کند اما در عوض به فرستادن قاصدان به نزد بایوغا در دیار بکر اشاره می‌کند.
- این بخش از متن با توجه به عدم دسترسی به نسخه اکسفورد، از ترجمه انگلیسی به فارسی برگردانده شده است. (مترجم)
۱۴۴. م: بنه، نسخه‌های ک. ب. تحریف شده هستند (تنها)، با اصطلاحات مغول ناخویشاوند است؛ همچنین در نسخه تاشکند، نسخه ۵۴۰۲، f.67v
۱۴۵. فقط در م. تاریخ مرگ صحیح است، ۲۴ مارس ۱۲۹۵ م.
۱۴۶. در ک. ب. Add. عنوانی وجود ندارد.
۱۴۷. در همه نسخ گروه B تاریخ جمادی‌الاول آمده است.
۱۴۸. فقط در م
۱۴۹. ک. ب. Add و Or در اینجا با مغایرت‌هایی جزئی از م پیروی می‌کنند. لغت نشستند می‌تواند نشانگر آن باشد که آنها بر پشت اسبان باقی ماندند.
۱۵۰. همچنین در هر دو نسخه ک. ب.
۱۵۱. فقط در م. م، f.53v، قبلاً تمام این فقره از متن را از برتری لشکر غازان تا اعدام بیدو حذف می‌کند، و همچنین در ک. ب. Add و Or و دیگر نسخ گروه B اینگونه آمده است که بیدو در ۲۳ ذی القعدة / ۴ اکتبر ۱۲۹۵ م. اعدام شد.
۱۵۲. در ک. ب. Add. هیچ عنوانی وجود ندارد.
۱۵۳. فقط در م. جالب است که غازان لقب آخرین خلیفه صاحب قدرت عباسی - الناصرالدین الله - (۱۱۸۰-۱۲۲۵ م.) را اختیار کرده است.
۱۵۴. م: "خداوند او و خاندانش را برکت دهد و به وی سلامتی عطاء فرماید" (این عبارت با توجه به ترجمه انگلیسی به فارسی برگردانده شده است)
۱۵۵. ک. ب. Add, Or و دیگر نسخ (مثل سنت پترزبورگ B234، تاشکند، نسخه ۱۵۲۲) توضیح می‌دهند: رستم دستان، حاتم طائی و انوشیروان عادل. اکسفورد Sale 51 به طور کلی این فقره را حذف می‌کند.

۱۵۶. این پایان با آنچه که در نسخ بعدی یافت می‌شود متفاوت است این نسخ با دعایی برای تداوم حکومت وی و گستردن عدالت او بر نوع انسان برای سالها تمام می‌شود. مقایسه کنید با ای f.152r؛ ک. ب. Add. و Or و دیگر نسخ. بدیهی است که این قسمت از نسخه م که چنانکه در پی خواهد آمد ادامه می‌یابد حذف شده است.

۱۵۷. عباراتی که در پراتنز آمده، کوششی است برای پرکردن جاهای خالی متن که به سبب آسیب به برگهای انتهایی ایجاد شده است.

۱۵۸. قرائتی نامطمئن (نقطه‌گذاری نشده است). احتمالاً با خاقاهی که در بوذینجرد نزدیک همدان ساخته شده معادل است، که با کمکهایی اعطائی به مسافران توام بوده است، نگاه کنید به رشیدالدین ۱۳۷۳ هـ.، صص ۱۳۸۴-۱۳۸۵. آثار ساختمانی غازان در همان منبع توصیف شده است. همان، صص ۱۳۶۹-۱۳۸۶. من گمان می‌کنم که این متن به مزار ابوالوفا در نزدیکی حله اشاره دارد، جاییکه رشیدالدین نیز بر بخششهای خیرخواهانه غازان تأکید می‌گذارد، به ویژه نگاه کنید به صص ۱۳۷۱-۱۳۷۲. مجدداً از حسین مدرسی به خاطر اینکه در اینجا مرا از قرائتی اشتباه بازداشت سپاسگزاری می‌کنم.

۱۵۹. دعای پایانی همانند خاتمه‌الکتاب نسخ گروه B است آن جاییکه برای حکومت غازان به کار می‌رود، نگاه کنید به شماره ۱۵۶ بالا.